



آسیا و برای تیم در حال سقوط هم حفظ در لیگ برتر بود. فقط یک پیشنهاد داشتیم و از طریق یکی از واسطه‌ها پیشنهاد سرمربیگری در تیم صبا قم به من داده شد که من گفتم تنها پیشنهاد مسئولان تیم را می‌پذیرم و پیشنهاد آن واسطه را قبول نکردم.

**از نظر شما جانبداری از یک تیم در گزارش‌های شما وجود دارد؟ در بازی پرسپولیس با گسترش فولاد برخی‌ها به شما اتهام زدند که از پرسپولیس جانبداری کردید!**

در آن بازی دوستان عزیز آذری ما بعد از صحبت‌های آقای کمالوند، سرمربی گسترش خواستند از این جو استفاده کنند تا دلخوری‌هایی که شاید از قبل داشتند را از این طریق بیان کنند. در آن بازی من از داوری انتقاد کردم و کمیته داوری هم آن انتقادها را تأیید کرد. همکاران من می‌گویند برویم فیلم را بررسی کنیم و ببینیم که در فلان صحنه خطایی رخ داده یا خیر در حالی که من ۲۲ سال است که گزارشگری می‌کنم و مدرک مربیگری A فوتبال را دارم و ۸ دوره در کلاس مربیگری حضور یافته‌م و در این ۸ دوره، کلاس داوری هم برگزار شد، من خودم متخصص فوتبال هستم و کارشناس این رشته به حساب می‌آیم. همیشه گفته‌ام همکارانم بهتر از من هستند اما من متفاوت‌تر از آنها هستم.

**از نظر شما اظهار نظر در مورد داوری توسط گزارشگر کار صحیحی است؟**

به نظر من گزارشگری که تخصص ندارد، نمی‌تواند در مورد داوری صحبت کند، آیامجد جلالی که یکی از بهترین مربیان، کارشناسان و مدرس فوتبال ایران است، نمی‌تواند فوتبال گزارش کند؟ او حق ندارد در حین گزارش از نظر فنی هم صحبت کند؟ خب من هم مربی A فوتبال هستم و در تمام کلاس‌های درجه ۳، ۲ و درجه یک با مجید جلالی هم‌کلاس بودم پس چرا نباید در مورد مسائل فنی و داوری اظهار نظر کنم؟ یک جایی باید سنت‌های نادرست شکسته شود، وقتی در بازی پرسپولیس با گسترش دروازه‌بان گسترش با آن شدت بیرون می‌آید و مهدی طارمی را می‌زند، چرا نباید بگویم که آن صحنه خطاست؟ کمیته داوران که خود حامی داوران است بعد از آن بازی در مورد پناالتهای اطلاعیه می‌دهد که ۲ خطای پناالتهای روی طارمی گرفته نشد و به آن اعتراف کرد. من هم در گزارشم اعتقاد داشتم دوپناالتهای پرسپولیس گرفته نشد، پس وقتی که من درست گفتم، چه گله‌ای باقی می‌ماند؟

**اولین گزارشی را که داشتید به یاد دارید؟**

بله، هیچ زمان آن گزارش را فراموش نمی‌کنم. دوشنبه در کنار آقای اسکندر کوتی بازی پرسپولیس و آرات را گزارش کردم و این اولین گزارش زندگی من بود که به صورت زنده آن دیدار را گزارش کردم. در آن بازی آقای کوتی گزارشگر بود و در هر نیمه من ۴ دقیقه فرصت گزارش داشتم. من از همان ابتدا فقط بازی‌های مستقیم را گزارش می‌کردم و به هیچ وجه گزارش‌های ضبط شده به من سپرده نمی‌شد. در طی این سال‌ها مطالعات و تجربه‌هایم بیشتر شد و ۲۲ سال است که فوتبال اروپا را گزارش می‌کنم و در این ۲۲ سال روزه روز با فوتبال اروپا زندگی کردم.

**چه زمان وقت بازنشستگی برای یک گزارشگر است؟**

از نظر من گزارشگر فوتبال همانند بازیگر سینما یا سیاستمدار است. یک بازیگر سینما یا یک سیاستمدار تا زمانی که زنده است و توانایی فیزیکی دارد، او را روی دست می‌برند یعنی احترامش در جامعه بیشتر می‌شود. گزارشگر فوتبال هم تا زمانی که توانایی فیزیکی دارد، می‌تواند به کارش ادامه دهد. من تجربه را به تحمیلات ترجیح می‌دهم و فکر می‌کنم گزارشگر فوتبال همانند یک بازیگر سینما یا حتی سیاستمدار است، هر چه سن بازیگر، سیاستمدار و گزارشگر بالاتر می‌رود، تجربه‌اش بیشتر می‌شود و به اعتقاد من نباید به اینها اجازه بازنشستگی بدهند. من ۲۲ سال گزارش می‌کنم و در سال حدود ۱۰۰ بازی را به صورت زنده گزارش می‌کنم. در دوران جوانی گزارش گزارشگرانی همچون عطا بهمنش، جهانگیر کوثری، بهرام شفیق و سایر گزارشگران را گوش می‌دادم و در طول ۹۰ دقیقه

حداقل یک نکته مثبت از نحوه گزارش این گزارشگران می‌آموختم. من نمی‌توانم به آن فردی که علاقه‌مند به گزارشگری است، چیزی یاد بدهم بلکه آنها باید گزارش سایر گزارشگران را ضبط کنند و در طول یک سال می‌تواند یک گزارشگر خوب شود و از تجارب سایرین استفاده کنند.

**جناب سرهنگ! چرا «توووووی دروازه»؟**

یک سوم دفاعی و خصوصاً محوطه جریمه یکی از نقاط حساس برای گزارشگر به حساب می‌آید و گزارشگر باید در این نقاط به گزارش هیجان بیشتری بدهد، هیجان دادن فرمول خاصی ندارد و این بستگی به سلیقه و ابتکار گزارشگر است و هر کسی به گونه‌ای هیجان می‌دهد، در

تمام ایران این «توووووی دروازه» من معروف است و مورد توجه مردم قرار گرفته. مردم در خیابان هم «توووووی دروازه» را می‌گویند. «توووووی دروازه» در یک بازی شاید یک بارویا شاید هم اتفاق نیفتد، اگر این جمله کسی را اذیت می‌کند، صدای تلویزیون را ببندد.

گزارش‌های من یک پکیج است و سال‌ها برای رسیدن به این مسیری که موانع زیادی در راهم بود، تلاش کردم. من در ۲ سال گذشته چرا مورد توجه قرار گرفتم؟ به خاطر

سبک گزارش‌هایم بود. آقای هادی صالح‌نیا، گزارشگر سابق فوتبال که بزرگ‌تر و پیشکسوت من است، در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود علیفر ملاحظه ساعت ۱۲ شب

مردم را نمی‌کند، نمی‌دانم این چه حرفی است؟! مثل اینکه شما بروید سینما و در سینما خوابتان بگیرد و در فیلم هنرپیشه فریاد بزنند و شما از خواب بیدار شوید و بگویید «اینکه فیلم نشد؛ ما را از خواب پراند.» ساعت ۱۲ شب کسی که در حال تماشای فوتبال است یا باید داخل اتاق باشد تا صدا نرود و افرادی که خوابند را اذیت نکنند یا باید صدا را بسیار کم کنند، اگر در بازی رئال مادرید که ساعت یک شب پخش می‌شود بین ۱۰ میلیون بیننده که مثلاً ۱۰۰ نفر خواب هستند من برای این ۱۰۰ نفر به ۱۰ میلیون نفر هیجان ندهم! من که وظیفه ندارم ملاحظه این ۱۰۰ نفر را بکنم آن فردی که فوتبال می‌بیند باید ملاحظه خانواده خودش را بکند یا به اتاق دیگری برود. البته شاید برخی خانه‌ها اتاق دیگری ندارد آن زمان باید بیننده فوتبال را بی صدا ببیند، از جناب صالح‌نیا که استاد من هست و من او را دوست دارم، این حرف بعید است. اگر «توووووی دروازه» می‌گویم، ۹۰ درصد مردم «توووووی دروازه» من را دوست دارند و در کوچه و بازار این جمله را تکرار می‌کنند پس این یعنی موفقیت. آن منتقدانی که ۹۰ درصد رسانه هستند و در بین مردم نیستند، آن آدم‌هایی که در رسانه به دلایل دیگری با

**در ۲ سال گذشته بیش از**

**۱۰ پیشنهاد بازیگری**

**در نقش مربی**

**و گزارشگری**

**در سینما داشتم**

**که با**

**نقش اول بود**

**یا دوم اما هیچ کدام**

**از این نقش‌ها را**

**نپذیرفتم**

من مشکل دارم که یکی از این دلایل می‌تواند حسادت باشد و آن آدم‌هایی که به دلایل دیگری با من مشکل دارند، بیایند در گزارش من جست‌وجو کنند و حرف حساب بزنند. مثلاً می‌گویند «توووووی دروازه» آزار دهنده است، کجای این «توووووی دروازه» آزار دهنده است؟! گزارش من تحلیل دارد و هیجان گزارش‌های من بیشتر از گزارش سایر همکارانم است گزارش‌های من طنز هم دارد. در هر بازی‌ای که اعلام می‌شود علیفر گزارشگر است، شک نکنید بیننده آن ۴ برابر می‌شود به خاطر اینکه مردم گزارش رادیویی را دوست ندارند، در تلویزیون مردم گزارشگری را دوست دارند که جرأت داشته باشد و من جرأت این را دارم که هر چه می‌خواهم بگویم، تفسیر کنم، تحلیل کنم، داور را زیر سؤال ببرم، از طنز استفاده کنم البته همکاران من همه از من بهتر هستند اما من متفاوت‌تر هستم.

**خودتان را نقد می‌کنید؟**

همان‌گونه که اعتماد به نفس بالایی دارم و پاسخ افرادی که بی دلیل انتقاد می‌کنند را می‌دهم، همانقدر هم متواضع و فروتن هستم و حرف حساب را می‌پذیرم. من همیشه گفتم دوست کسی است که عیب واقعی انسان را بگوید، تمام کسانی که در این ۲۲ سال عیب‌های من را گفتند باعث شده تا من معایبم را برطرف کنم، دوستان خودم می‌دانم. کسانی که گزارش‌های من را می‌بینند دودسته هستند؛ دسته اول آنهایی که بهانه‌جویی می‌کنند و دشمن هستند، دسته دوم کسانی هستند که عیب را می‌گویند که دوست هستند. واقعاً گزارشگری همانند بازیگری سینما است و ادعای بی عیب بودن را ندارم.

**اگر به شما پیشنهاد شود که مجری برنامه «۹۰» شوید، این پیشنهاد را قبول خواهید کرد؟ فکر می‌کنید واکنش طرفداران شما چگونه خواهد بود؟**

کاری به برنامه «۹۰» ندارم اما دوست ندارم به عنوان مجری فعالیت داشته باشم. در ۲ سال گذشته بیش از ۱۰ پیشنهاد بازیگری در نقش مربی و گزارشگری در سینما داشتم که یا نقش اول بود یا دوم اما هیچ‌کدام از این نقش‌ها را نپذیرفتم. در دو سال گذشته پیشنهاداتی در نقش مجری داشتم اما دوست ندارم به عنوان مجری در صدا و سیما کار کنم، برنامه «۹۰» هم به همین صورت. عادل فردوسی‌پور دوست عزیز من است و ۱۵ سال تجربه دارد، صد درصد مثل او نمی‌توانم برنامه اجرا کنم بر همین اساس من مایل به اجراء در برنامه‌های تلویزیونی نیستم و عاشق گزارش توأم با تفسیر و تحلیل هستم. گزارش بدون تفسیر و تحلیل را دوست ندارم و باید در گزارشم تحلیل باشد، تفسیر باشد، هیجان باشد و طنز.